



A New Administrative Seal Impression from the Mowūh Canton Administration, the Sasanian Province of Abhar

Parsa Ghasemi

Abstract

In November 2025, several groups of objects, including two Sasanian clay bullae, were transferred from the Cultural Heritage, Tourism & Handicrafts Office of Tehran Province to the National Museum of Iran. Of the two bullae, one is administrative, while the other belongs to the personal category. This short paper examines the sole administrative bulla in the assemblage, which bears three seal impressions. The largest of these impressions is that of a cantonal administration of mowūh (the bureau of the mages) from the Sasanian province of Abhar, although the impression has been damaged due to erosion and breakage. Our preliminary study suggests that this seal belonged to the mowūh administration of the Grdatanz? / Grdytanz? canton within the province of Abhar. It represents the second identified toponym of a mowūh cantonal administration from the province of Abhar and, overall, constitutes the third identified administrative seal impression from this Sasanian province. The identification of yet another administrative seal from the Sasanian province of Abhar further strengthens the hypothesis that the administrative restructuring of this province occurred during the reign of Husraw I, around 540 CE, and that from that time the new name “Hamadān-kust-i-Abhar” was adopted as part of this reform.

Keywords: Abhar, Hamadān-kust-i-Abhar, Sasanian, administrative seal, mowūh cantonal administration, clay bulla.

<https://doi.org/10.22034/JINM.2025.2078150.1110>

© 2025 Iran National Museum. All rights reserved

مهری نویافته از اداره ناحیه‌ای موه، استان ساسانی ابهر

پارسا قاسمی*

چکیده

در آبان ۱۴۰۴، موزه ملی ایران، دو گلمهر و چندین یافته دیگر، از اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان تهران دریافت کرد. از بین این گلمهرها، یکی اداری، و دیگری از گونه خودی است. این نوشتار کوتاه، به بررسی تنها گلمهر اداری این مجموعه پرداخته، که دارای سه اثر مهر است. بزرگ‌ترین این اثر مهرها، اثر مهر اداره موه از استان ساسانی ابهر است که فرسایش و شکستگی زیادی دارد. برآیند خوانش آغازین ما نشان می‌دهد این اثر مهر از آن اداره موه از ناحیه گردیتانز؟/گرداتانز؟ از استان ابهر است که دومین مهر اداره موه از ابهر و سومین مهر اداری شناسایی شده از این استان ساسانی است. شناسایی یک مهر اداری دیگر از استان ساسانی ابهر، انگاره ساماندهی این استان در زمان خسرو یکم نزدیک به سال ۵۴۰ میلادی و جایگزین کردن نام همدان-کوست-ابهر به جای آن را بیش از پیش پشتیبانی می‌کند.

واژگان کلیدی: ابهر، همدان-کوست-ابهر، ساسانی، گلمهر، مهر اداری، اداره موه.

* دکترای تخصصی باستان‌شناسی، دانشگاه پاریس ۱ پانتئون سوربن، فرانسه

مقدمه

نام جای اَبَهَر (Abhar)، امروز هم برای دومین شهر بزرگ استان زنجان و هم برای شهرستان اَبَهَر استفاده می‌شود. اَبَهَر نزدیک به ۱۵۰ کیلومتری اَباختر خاوری شهر همدان، ۹۰ کیلومتری نیمروز خاوری زنجان و ۲۳۰ کیلومتری باختر تهران قرار گرفته است. در پایان سده سوم هجری، نزدیک به سال ۹۰۳ میلادی، ابن فقیه در کتاب البلدان از نام جای اَبَهَر نام برده که براء بن عازب، همراه حنظله بن زید الخلیل، به آنجا رفته و در کنار دژ اَبَهَر لشکر زده؛ دژی که ابن فقیه پی‌ریزی‌اش را به شاپور دوم نسبت داده است. به گفته او، شاپور همچنین شهر قزوین و شهر اَبَهَر را بنیان نهاده است. ابن فقیه از دژ کشوین، و همچنین نام جای‌های دستی، سروین، سسین/جش-این، نسا و سلقان رود نام برده، و نوشته، خراج/مالیات دستی به همدان فرستاده می‌شده است (ابن فقیه ۱۳۴۹: ۱۲۱-۱۲۰). در کتاب تاریخ قم^۱، از نام جای اَبَهَر نام برده نشده اما از طسوج واز (۵) کرود یاد شده که زنگباد، کوار و دشت صرم جزو آن بوده است (قمی ۱۳۶۱: ۱۱۵). در همین کتاب، در جای دیگری از نام جایی همانندی چون اَهْمِر، (قمی ۱۳۶۱: ۱۳۸) یاد شده است. در سفرنامه ابن حوقل در سده ۱۰ میلادی، اَبَهَر از جمله شهرهای جبال یاد شده و از دید اندازه، شهری کوچک‌تر از زنجان، و پر آب با کشتزار گزارش شده است (ابن حوقل ۱۳۶۶: ۱۰۵ و ۱۳۳). ابن خردادبه دوری بین قزوین تا اَبَهَر را ۱۲ فرسخ و از اَبَهَر تا زنجان را پانزده فرسخ گزارش کرده است (ابن خردادبه ۱۳۷۱: ۲۵ و ۴۳)، او همچنین اَبَهَر را شهری نامدار از بخش جبال دانسته، و نوشته پارسیمان به آن اوهر می‌گویند که میان قزوین، زنجان و همدان قرار دارد (ابن خردادبه ۱۳۷۱: ۵۷-؛ Le Strange 1905: 221-222). حمدالله مستوفی در سال ۱۳۴۰ میلادی از ناحیه اَبَهَر که شامل ۲۵ روستا بوده، نام برده است (Mostawfi 1919: 65).

در بررسی‌های باستان‌شناسی در گستره جغرافیایی استان زنجان و اَبَهَر کنونی، شماری محوطه باستانی از زمان ساسانی شناسایی شده است که پرداختن به آن‌ها فراتر از جستار این نوشتار است و برای آگاهی‌های بیشتر شماری از پژوهش‌های گذشته در کتاب‌شناسی آمده است (عالی ۱۳۸۳؛ عالی ۱۳۸۵؛

خسرو زاده و عالی ۱۳۸۳؛ عالی و خسرو زاده ۱۳۸۹؛ احمدی مقدم و مافی ۱۴۰۳). شناخته‌ترین محوطه باستانی این گستره جغرافیایی، که البته بسیار دورتر (نزدیک به ۱۴۰ کیلومتر) از اَبَهَر کنونی است، محوطه معدن نمک دوزلاخ در چهارآباد زنجان است که نخستین کوشش برای استخراج نمک در آن به زمان هخامنشی (۴۰۰ پ.م) باز می‌گردد. در سده سوم میلادی در زمان ساسانی، برداشت نمک از این معدن ادامه پیدا می‌کند و تا میانه سده ششم میلادی ساسانیان از این معدن بهره‌برداری می‌کردند. از یافته‌های زمان ساسانی، بازمانده پیکر چندین انسان، ابزار کار، و یافته‌های دیگر است (عالی و اشتولنر ۱۴۰۱: ۱۴۰-۱۳۴).

منابع نوشتاری کهن و سنگ‌نبشته‌های آغاز ساسانی مانند سنگ‌نبشته شاپور نخست در کعبه زردشت از نام جای اَبَهَر سخنی به میان نیاورده، اما، برپایه پژوهش روی مهرها و گلمهرهای ساسانی، جایگاه جغرافیایی آن در زمان ساسانی بر ما روشن است. همچنین گمان می‌رود در سده سوم میلادی اَبَهَر بخشی از منطقه ماه (Māh) بوده باشد (Gyselen 2019: 29, 141-142).

برپایه پژوهش‌های مَهر شناسی ساسانی، پیش از این، نام اَبَهَر در دو اثر مَهر اداری (یک مَهر اداری استانی موبد؟ و یک مَهر اداره ناحیه‌ای مَوُوَه) از استان اَبَهَر شناسایی شده است: ۱- مَهر نخست از گونه اداری از استان اَبَهَر (ابهرم/اوبدا اَبَهَر / Abhar m[owbed ?] Abhar) که پس از نام اَبَهَر در پیرامون اثر مَهر، یک واژه دیگری داشته که نخستین حرف آن "م" بوده و به سبب فرسایش بیش از اندازه آن، ناخوانا است. به باور ریکا گیزلن آمدن همین حرف "م" پس از نام استان، نشان می‌دهد که بی‌شک این نخستین حرف از واژه موبد و یک اداره استانی و نه یک اداره مَوُوَه است. در مَهرهای اداره ناحیه‌ای مَوُوَه، نام مَوُوَه در مرکز و پس از نام جای ناحیه یا بخش آمده است. ۲- مَهر دوم از آن اداره مَوُوَه از ناحیه ساز؟ (scy) (ساز؟ مَوُوَه اَبَهَر/ Saz ? mowūh Abhar) در استان اَبَهَر است (Gyse- len 2001; Gyselen 2012: 140, ZR13; Gyselen 2019: 444, ATb843a; ATb895a; Gyselen 2019: 29, 441, ATb843a).

افزون بر استان اَبَهَر که تا پیش از این تنها دو اثر مَهر اداری آن برای ما شناخته شده است، از استان همدان-کوست- اَبَهَر (Hamadān-kust-i-Abhar) نیز که نامجای جایگزین سسپسین برای استان اَبَهَر در سده‌های پایانی ساسانی است، تاکنون هفت اثر مَهر اداری یافت شده که شمار پنج اثر مَهر آن، از آن اداره مَوُوَه (mowūh): از ناحیه‌های آبار (Ābār)، پریگان

۲. اداره ناحیه‌ای مَوُوَه (دفتر مغان). توانایی و گستره گنشگری مَوُوَه در بخش داور/دادگستری بوده و در گستره ناحیه‌ای به کار گرفته می‌شده است. این دفتر یا اداره، کاردانا و کسان با کارکردهای گوناگون داشته است، مانند داور، دبیر/نویسنده و غیره. با این حال، تا به امروز هیچ مَهر رسمی داور یا دبیر در کنار مَهر اداری مَوُوَه به دست نیامده است، ولی، شمار زیادی از مغان (mages) مهر خود را بر گلمهرهای اداری مَوُوَه زده‌اند (Gyselen 1989: 137-139).

۱. تاریخ قم نوشتاری ارزشمند از نیمه دوم سده ۴ هجری است که در آغاز سده نهم هجری قمری از زبان عربی به پارسی برگردانده شده و دربرگیرنده آگاهی‌های خوب برای بازسازی گذشته این بخش از ایران در زمان‌های پسا ساسانی است. در بخش سوم کتاب، نویسنده هنگام سخن گفتن درباره خراج وازگرد که بی‌شک محدوده گسترده‌تری از زنجان و شاید اَبَهَر کنونی را دربرمی‌گرفته، به نام جاهای زیادی اشاره کرده است (قمی ۱۳۶۱: ۱۳۷). او هنگام گفتگو درباره طسوج و مناطق الجبل به فهرست درازی از نام جاهایی مانند ابرجس، و غیره پرداخته (قمی ۱۳۶۱: ۱۱۸ و ۱۳۶) و در زیر مجموعه طسوج قاسان، از نام جاهای زیادی از جمله کردیه، دساگران، کهنوییه، یزدگردآباد، طسموغان (قمی ۱۳۶۱: ۱۱۴)، زنجیه، دنجر، وزهشت، اهر، جبالگرد، ازوار، سه دارم، (قمی ۱۳۶۱: ۱۳۸) نام برده است. افزون بر گواهی‌های کهن، این کتاب منبعی با ارزش برای پژوهش‌های واژه‌شناسی و نام‌شناسی تاریخی است.

مشخصات گلمهر^۳ با اثرمهر اداره موه از استان اَبهر
این گلمهر به شکل بیضی- به ترامون (قطر) بزرگ و کوچک ۴۹ و ۴۳ میلی‌متر، به ستبری ۲۳ میلی‌متر و به سنگینی ۴۴ گرم است. خمیره آن از گل رس به رنگ قهوه‌ای آمیخته با ماسه ریز و چندین دانه‌درشت شن با ستبری ۳ تا ۵ میلی‌متر با فشردگی پایین، و بازمانده ماده آلی (کاه) است. این گلمهر با یک بند/ریسمان به بسته/کالا یا بنچاک همراه پیوست می‌شده و دو سوراخ ایجاد شده در بُرش آن نشان می‌دهد که شاید بند آن نزدیک به ۱ سانتی‌متر پهنا داشته است (شکل ۲). این گلمهر دارای سه اثرمهر است:

اثرمهر ۱: از گونه اداری به ترامون ۱۶.۲۱ میلی‌متر، که از ساعت ۹ تا ۱۰ یک شکستگی/فرورفتگی بزرگ دارد. شاید اگر این گلمهر دچار آسیب دیدگی نشده بود، به گمان بسیار اندک می‌شد این گودی را یک اثرمهر دیگر یا شاید فرورفتگی دستگیره مهر دانست (مانند مهرهای بزرگ اسپهبد. بنگرید به قاسمی ۱۴۰۲: ۸۵ و ۱۰۲، تصویر ۷: اثرمهر ۸). همچنین در بخش آغازین رج نخست نبشته پهلوی، یک شکستگی دیگری دارد و حروف بخش میانی و کناری آن آسیب دیده و خوانش آن دشوار شده است. از آنجاکه از درست بودن چندوچون حروف فرسایش شده بخش میانی آگاه نبودیم به شکل خط چین نشان داده شده است و امیدواریم در آینده اثرمهر بهتری از همین مهر پیدا شود تا بهتر بتوان نام اداره ناحیه‌ای موه را به خوبی خواند. خوانش آغازین این اثرمهر در جدول ۱ آمده است.

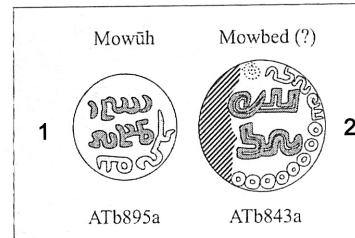
اثرمهر ۲: در ساعت ۱۲ یک اثرمهر مدور خودی به ترامون ۱۶ میلی‌متر نیم‌تنه یک انسان (شاید مغ؟) از نیمرخ به راست، با پوشش چین‌دار، با کلاه نیمه‌گرد. از برای سایش و رسوب گرفتگی، ریز کاری نگاره آن ناپیداست و هیچ نوشته‌ای در پیرامون آن دیده نمی‌شود (شکل ۲b)

اثرمهر ۳: در ساعت ۱۰ یک اثرمهر بیضی/گرد گود، به ترامون ۷.۵ میلی‌متر. یک گل با پنج غنچه/شاخه (بنگرید به شکل ۲c).

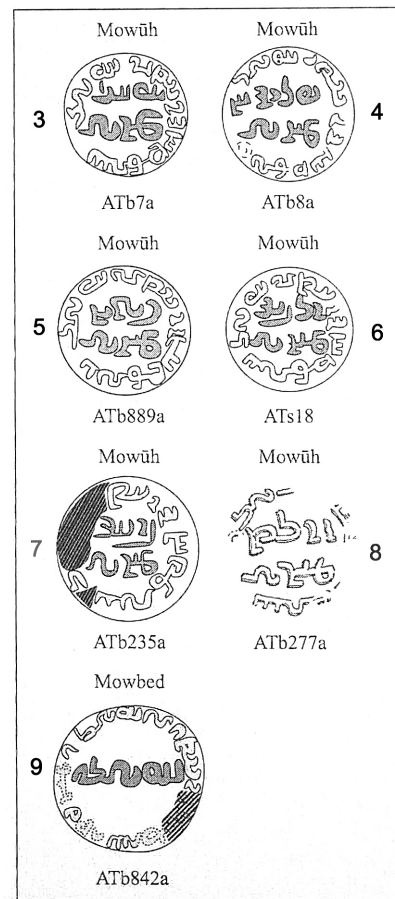
افزون بر این، در رویه این گلمهر شاید یک اثرمهر شاهد ریزی بوده که آسیب دیده است.

۳. در آبان ۱۴۰۴، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران چندین مجموعه باستان‌شناسی را به موزه ملی ایران سپرد که یکی از آنها دربرگیرنده دو گلمهر بود که از بین آن‌ها این گلمهر اداری است. تصاویر گلمهر یادشده از سوی همکاران موزه ملی ایران، برای پژوهش و تهیه شناسنامه آن با نگارنده هم‌رسانی شد که برآیند بررسی آغازین آن، شناسایی اثر مهرهای آن و آماده‌سازی این نوشتار است. برپایه پیگیری‌های همکاران موزه ملی ایران، این گلمهرها، در سال ۱۳۶۴، در راستای یک کاوش نجات‌بخشی به سرپرستی فائق توحیدی، محمد مهربار و احمد کبیری از تپه بزرگ کندر بین تاکستانو قزوین یافت شده‌اند (گفت‌وگویی با استاد فائق توحیدی). این تپه در ایلیاخر روستای کندر، ۲۰ کیلومتری ایلیاخر شهر تاکستان، و ۸۰ کیلومتری خاور اَبهر قرار گرفته و گستره کنونی آن نزدیک به ۳ هکتار است. این تپه، در سال ۱۳۸۰ با شماره ملی ۳۷۳۸، در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

(Parēgān)، گزین (Gezēn)، بواد (Bawād) و کورد (Kaward)؛ و همچنین یک مهر اداری موه (mowūh) از ناحیه واربد (Warbēd) و اثر یک مهر اداری استانی از موبد (mowbed) است (شکل ۱) (Gyselen 2019: 28, 417, 420, 429, 432, 441).




مهرهای اداری استان اَبهر



مهرهای اداری استان همدان-کوست-اَبهر

شکل ۱: طرح مهرها و اثرمهرهای اداری استان اَبهر و استان همدان-کوست-اَبهر (طرح‌ها از ریکا گزین 2019: 28) (Gyselen 2019: 28)
آ- مهرها با نام اَبهر:
۱- اثر مهر اداره «موه» از ناحیه «ساز» (Saz) (؟)
۲- اثر مهر اداری «موبد» از اَبهر
ب- مهرها با نام همدان-کوست-اَبهر:
ب ۱- طرح پنج اثرمهر اداره موه از ناحیه‌های: آبار (ATb7a) (Ābār)، پارگان (ATb8a) (Parēgān)، گزین (ATb889a) (Gezēn)، بواد (Bawād) (ATb235a) و کورد (Kaward) (ATb277a) (Gyselen 2019: 28, 417, 420, 429, 432, 441) (شکل ۱).
ب ۲- مهر اداره موه از ناحیه واربد (Warbēd) (ATs18)
ب ۳- اثر یک مهر اداری از موبد (ATb842a)

شماره اثرمهر	حرف نویسی، آوانویسی و برگردان	طرح اثرمهر اداری (بنگرید به تصویر 2a)
۱	<p>در مرکز در سه رج، نبشته پهلوی کتیبه‌ای:</p> <p>1. gl(d)(y)t (?) / gl(d)'t (?)</p> <p>2. 'nč ()</p> <p>3. mgw[h]</p> <p>در پیرامون آن، از ساعت ۷ تا ۳ وارونه پرک‌های ساعت:</p> <p>'phl,</p> <p>نام آبهر (استان آبهر)،</p> <p>مُووه گردیتانز/گرداتانز (?)- آبهر</p> <p>Gr(d?)(y/a)tanč... mowūh Abhar</p> <p>« mowūh of Grdatanz/Grdytan?»</p> <p>< province of> Abhar»</p> <p>مُووه گرداتانز (?)/گردیتانز؟ «استان» آبهر</p>	

جدول ۱. اثرمهر اداری مُووه ناحیه گرداتانز یا گردیتانز؟ از استان آبهر.

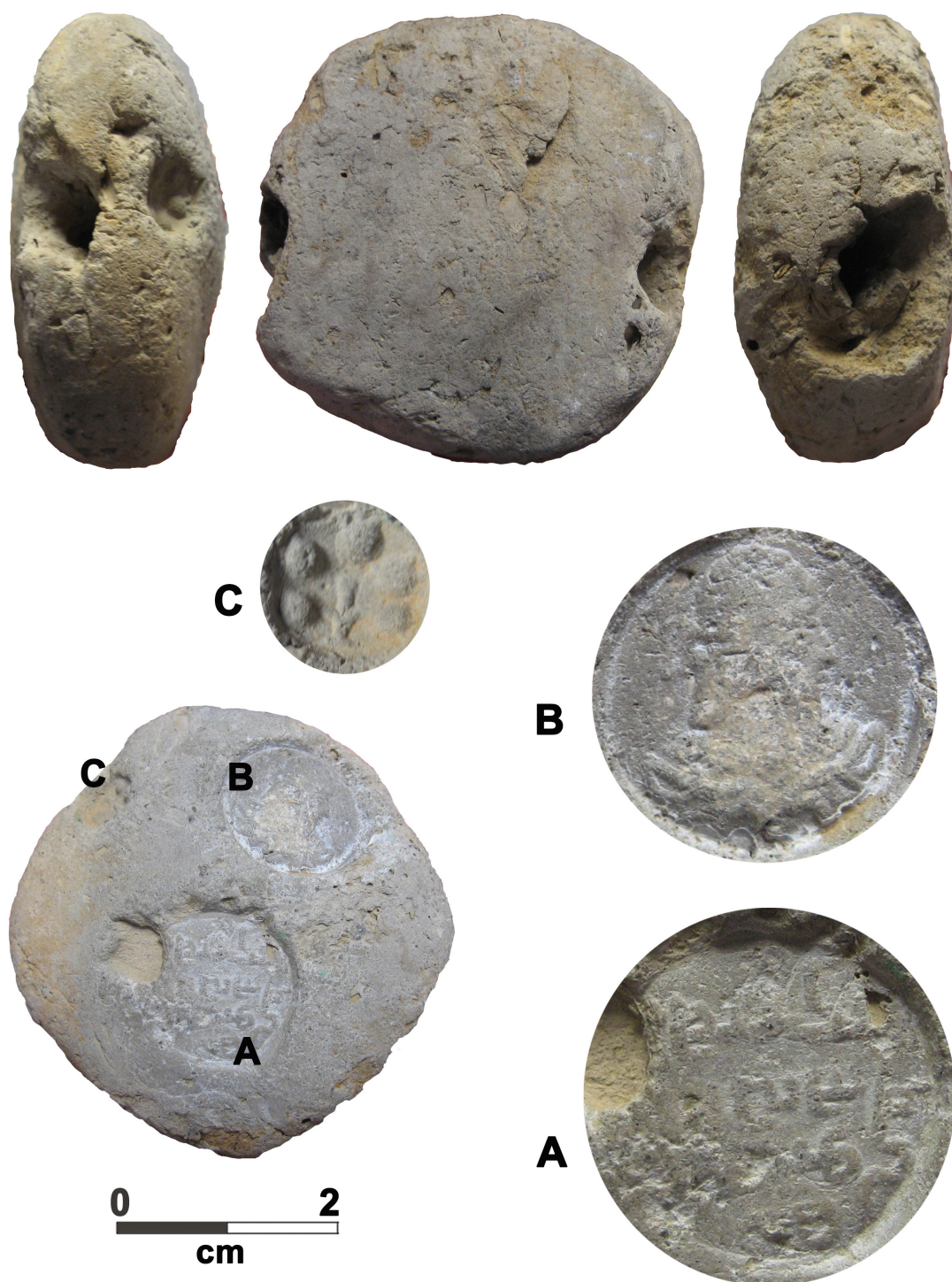
اما نکته مهم، پی‌بردن به پیشینه استفاده از این نام جای‌های استانی و دانستن اینکه کدام‌یک از این نام‌های ساسانی کهن‌تر از دیگری است. اگر تنها منابع دست نخست را پایه‌گفتمان پژوهشی قرار دهیم، هنوز بسیار دشوار است بپذیریم که نام جای استان آبهر، پیش از نام‌جای استان همدان-کوست-آبهر استفاده می‌شده یا خیر. به هر روی، اگر مورد همدان و همدان-کوست-شهرستان را به‌عنوان نمونه نام ببریم، که در آن نخستین نام جای (همدان)، بدون هیچ‌شکی کهن‌تر از نام آمیخته دومی است، آن زمان می‌توان گفت که بی‌شک این رویداد درباره آبهر نیز رخ داده است و نام جای آبهر پیشتر از نام جای همدان-کوست-آبهر در دستگاه ساسانی به کار گرفته شده است.

برای پذیرش اینکه نام جای همدان کهن‌تر از همدان-کوست-شهرستان است، داده‌های گوناگون و بهتری در دست داریم. نخست اینکه، نام همدان در سنگ‌نبشته شاپور در کعبه زردشت در سده سوم میلادی آمده، و از کسی به نام تیانگ (Tiyānag) نامبرده که شهر همدان (šahrab Hamadān) بوده است. در همین بازه زمانی در سده سوم میلادی، همدان شاید بخشی از منطقه ماه (Māh) بود که استان (= بیستون) (Wastan = Bisitun)، نیموند (= نهاوند) (Nēmāwand) (= Nehāwand) و غیره را در برمی‌گرفت. همچنین، برپایه آگاهی‌های در دسترس از یک مهر اداری از استان همدان میدانیم در آغاز سده ششم میلادی، هنوز همدان یک شهر (šahrab) داشته است. افزون بر این، از استان همدان مهر اداره

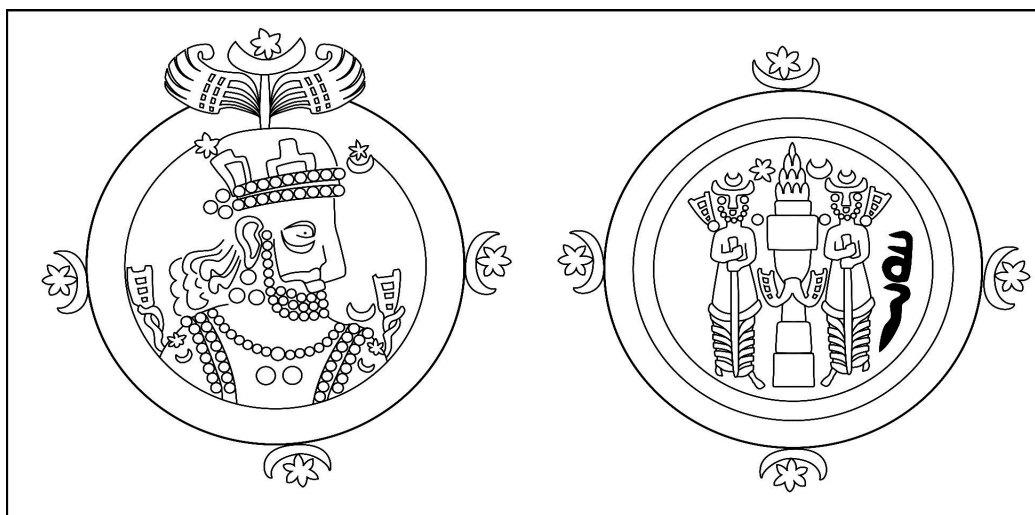
استان آبهر و دگرگونی نام آن: پس و پیش از ساماندهی کلان ایرانشهر در سده ششم میلادی

آگاهی‌های به دست آمده از مهر و گلمهرهای ساسانی تا به امروز، نشان می‌دهد ما دو استان به نام همدان و آبهر، و دو نام جای استانی دیگر نیز به گونه آمیخته از این دو نام و واژه کوست، به نام همدان-کوست-آبهر (Hamadān-kust-i-Abhar) و همدان-کوست-شهرستان (Hamadān-kust-i-šahrestān) داریم. درگذشته، از برای آنکه هنوز پژوهش‌های اندکی روی مهرهای ساسانی انجام گرفته بود، آگاهی‌های ما درباره رخدادهایی مانند دگرگونی نام‌ها در بازه زمانی درازمدت شاهنشاهی ساسانی بسیار اندک بود. بنابراین، دانستن پیوند میان نام‌جای‌های گوناگون مانند نام جای این چهار استان و دانستن جایگاه هر یک از این استان‌ها در دستگاه منطقه‌ای ساسانی بسیار دشوار بود (Gyselen 1989: 49-50; Gyselen 2001: 96-102).

اکنون برپایه آگاهی‌های کمابیش خوب پژوهشی بر روی مهر و گلمهرهای ساسانی، می‌توان پیشنهاد داد که آبهر، و همچنین همدان-کوست-آبهر، دو نام‌جای جدا از هم و ناهمسان در دو بازه زمانی جداگانه برای نام‌گذاری یک گستره سرزمینی با یک تقسیمات اداری یکسان بوده‌اند و این دگرگونی نام بی‌شک برآیند یک سازمان‌دهی دوباره اداری بوده است. نیاز به یادآوری است تا یافت شدن مهر و اثرمهرهای اداری بیشتر در آینده، این دیدگاه همچنان در اندازه یک انگاره خواهد بود.



شکل ۲. تصاویر گِلْمُهر اداری استان اَبهر و اثرْمُهرهای آن (تصاویر از فریدون بیگلری)، طرح اثرْمُهر اداری در جدول ۱ آمده است.



شکل ۳. درهم خسرو دوم با نشان کوتاهواره درم سَرای APH یا SPH که گزینه شایدهی برای اَبهر (با اسپهان) است (طرح از ریکا گیزلن: 100 (Gyselen 2019)).

همدان-کوست-اَبهر نیز باشد، زیرا این دو نام آمیخته بسیار دراز هستند و نوشتن همه واژه‌های آن دو استان بر روی یک مَهر بسیار دشوار است و بی‌گمان به‌جای آن که این نام‌های دراز بیاید، تنها نام کوتاهواره آن که واژه همدان است آمده باشد به‌ویژه اینکه نام نخست هر دو با همدان آغاز می‌شود. البته، این گمان را پیش کشیدیم که شاید در آینده بتوانیم به آن پاسخ بدهیم و پذیرش این دیدگاه نیاز به یافته‌های باستان‌شناسی بیشتری است (Gyselen 2019: 97).

اگرچه پژوهش‌های سکه‌شناسی، دانش ما درباره استان همدان و دگرگونی نام آن به «همدان-کوست-شهرستان» را افزایش داده، اما داده‌های سکه‌شناسی برای اَبهر و همدان-کوست-اَبهر بسیار ناچیز و هنوز پذیرفته نشده است. تنها شاید در یک نمونه، بتوان گفت خسرو دوم در اَبهر یک درم سَرای بنیان نهاده و در سال‌های ۸ تا ۱۳ (یا ۱۱) فرمانروایی خود، سکه‌هایی زده است، چنانچه حروف APH روی سکه‌ها، را نشان کوتاهواره درم سَرای اَبهر بدانیم (Gyselen 2019: 29, 100). اگرچه این نشان کوتاهواره برای نام درم سَرای شهر اسپهان (Spahān) نیز پیشنهاد شده است (Cereti 2004; Cereti 2007). از دیدگاه واژه‌شناسی کهن/نیشته‌های کهن، خوانش APH پذیرفتنی‌تر است، اما هیچ آگاهی تاریخی روشنی این شناسایی را همراهی نمی‌کند. نمایان شدن نشانه APH را نمی‌توان به رویدادی روشن پیوند داد؛ هرچند درباره SPH (= اسپهان) نیز چنین نیست. برپایه سکه‌های پیشتر بررسی شده (در مجموعه جانستون^۴)، درم سَرای پیش‌گفته، تنها در زمانی کوتاه در سال‌های ۸، ۱۰، ۱۲ و ۲۸ از زمان فرمانروایی خسرو دوم سکه زده است (Gyselen 2019: 29, 100) (شکل ۳).

دریوشان جاداگگو و دادور (driyōšan-jādaggōw-ud-dādwar) نیز شناخته شده و می‌توانیم بپذیریم که جایگاه آن همچون شهر (šahr) در آغاز ساماندهی اداری سده ششم به‌خوبی در دستگاه فرمانروایی استانی جا افتاده بوده است (Gyselen 2019: 96, ATb877a; ATb9a; ATb877a, 97, 141-142).

همچنین، درباره نام‌جای همدان، از داده‌های سکه‌شناسی آگاهی‌های فراوانی به دست آمده است. نخستین نشانه روشن ما از درم سَرای همدان است که نام کوتاهواره AH آن در زمان بهرام چهارم (Wahrām IV) نمایان می‌شود و این نشانه در زمان همه شاهان پس از آن تا آغاز فرمانروایی خسرو یکم (Husraw I) ادامه می‌یابد. نباید فراموش کرد که همین نشانه کوتاهواره AH بر روی مَهر شهرب (ATb877a) نیز دیده می‌شود. از این رو، شاید بتوان این مَهر شهرب را از آن زمانی دانست که نشانه کوتاهواره سکه AH هنوز استفاده می‌شده، درست در آغاز فرمانروایی خسرو یکم (۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی) یا شاید زمان فرمانروایی قباد یکم. افزون بر این، نام همدان در زمان یزدگرد نخست (Yazdgerd I) (۳۹۹ تا ۴۲۱ میلادی)، بر روی چندین سکه بسیار کمیاب با نشانه AHM آمده است و سپس دوباره در سال دهم فرمانروایی خسرو یکم دیده می‌شود (Gyselen 2019: 98).

با همه آگاهی‌های خوبی که از سکه‌ها داریم، ما هنوز نمی‌دانیم که مَهر آمارگر با نام استان همدان (āmārgar Hamadān) به‌درستی به کدام استان اشاره می‌کند، به همدان-کوست-شهرستان یا همدان-کوست-اَبهر. زیرا گستره کنشگری اداری آمارگر (āmārgar) گاهی بیش از یک استان را در برمی‌گرفت و نه‌تنها به یک استان. بنابراین می‌توان گفت شاید نام استان همدان در مَهر آمارگر در برابر دو مَهر دیگر (مَهر اداری شهرب و مَهر اداره دریوشان جاداگگو و دادور که به همدان اشاره می‌کنند)، اشاره به استان‌های همدان-کوست-شهرستان و

4. Johnston Collection

به سال ۵۴۰ میلادی راه بازه زمانی شایدی برای این دگرگونی اداری، و ساخت این مُهر اداری دانست.

سیاسگزاری

از استاد ارجمند دکتر ریکا گیزلن برای آگاهی‌های سودمند، همچنین برای هم‌رسانی طرح سکه و مُهرها و پیشنهادات و یاری‌های ارزشمندشان، و از دکتر فریدون بیگلری برای پشتیبانی از این پژوهش بسیار سپاسگزارم.

منابع

ابن حوقل ۱۳۶۶ *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض)*، ترجمه و توضیح جعفر شعار. موسسه انتشارات امیرکبیر.

ابن خردادبه ۱۳۷۱ *مسالك الممالک*، ترجمه سعید خاکرند، موسسه مطالعات و انتشارات میراث ملل.

ابن الفقیه، احمد بن محمد ۱۳۴۹ *ترجمه مختصر البلدان: بخش مربوط به ایران*، ترجمه ح-مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

احمدی مقدم رضا و فرزاد مافی ۱۴۰۳ *”مطالعه الگوی پراکنش محوطه‌ها و آثار اشکانی و ساسانی در حوضه آبریز جنوبی قزل اوزن، بخش چورزق، شهرستان طارم علیا“*، پژوهش باستان‌سنجی ۱۰ (۲): ۱۶۱-۱۳۱.

خسروزاده، علی‌رضا و ابوالفضل عالی ۱۳۸۳ *”توصیف طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه‌ی ماه نشان (زنجان)“*، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران، حوزه‌ی شمال غرب، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص. ۷۰-۴۵.

عالی، ابوالفضل ۱۳۸۵ *”گزارش توصیفی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوزه آبریز اَبهر رود“*، پیام باستان‌شناسی، شماره ۶، صص. ۴۲-۱۷.

عالی، ابوالفضل، علی‌رضا خسروزاده ۱۳۸۹ *”قلعه قشلاق، محوطه بزرگ اشکانی در ماه نشان زنجان“*، پژوهش‌های باستان‌شناسی ۲، (۳)، ۷۶.

عالی، ابوالفضل و توماس اشتولتر ۱۴۰۱ *”مردان نمکی چهرآباد: در جستجوی آثار بازمند، مرگ در نمک“*، پژوهشی باستان‌شناسی در ایران (مجموعه مقالات، کاتالوگ و رمان تصویری)، به کوشش توماس اشتولتر، ابوالفضل عالی و ناتاشا باقرپور کاشانی، ناشر: موزه ملی ایران، موزه معدن آلمان در بوخوم و موزه باستان‌شناسی و مردان نمکی زنجان، صص ۱۴۶-۱۳۳.

قاسمی، پارسا ۱۴۰۲ *”بررسی مجموعه گل‌مهرهای ساسانی بازگردانده شده از آمریکا در موزه ملی ایران“*، مجله موزه ملی ایران، شماره ۲:۲، صص ۷۵ تا ۱۱۲.

قمی، حسن بن محمد بن حسن ۱۳۶۱ *تاریخ قم*، ترجمه به فارسی: حسن بن علی بن حن بن عبدالملک قمی، تهران: توس.

برداشت ما این است که در آغاز سازمان‌دهی دستگاه اداری شاهنشاهی ساسانی به دست قباد یکم، همدان و اَبهر، دو استان همسایه هم، و جدا از یکدیگر بودند، تا اینکه یک سازمان‌دهی اداری منطقه‌ای، اما بسیار برنامه‌ریزی‌شده، در زمان خسرو یکم در نیمه نخست سده ششم میلادی (در سال‌های دهه ۵۴۰ میلادی) به کار گرفته می‌شود، پس از آن، نام استان همدان، به همدان-کوست-شهرستان به معنی «همدان از سوی پایتخت» و استان اَبهر به همدان-کوست-اَبهر یعنی «همدان از سوی اَبهر» تبدیل می‌شود. این نام‌گذاری‌ها بخشی از یک فرایند ساماندهی کلان اداری ایران‌شهر به دست خسرو یکم بوده که دربرگیرنده استان اَبهر و استان همدان نیز می‌شد. این نام‌گذاری‌های نو، برآیند و نیازمند یک دگرسازی و ساماندهی منطقه‌ای بوده است، بدون هیچ شکمی، نام جای استان‌های همدان-کوست-شهرستان و همدان-کوست-اَبهر زایدی یک بازه زمانی یکسان هستند و به‌کارگیری آن‌ها به جای نام جای‌های همدان و اَبهر هم هم‌زمان رخ داده است (Gyselen 2019: 29, 100, 102; Gyselen 2001: 38).

برآیند

برآیند پژوهش کنونی، شناسایی دومین مُهر اداری ناحیه‌ای مُووه از استان اَبهر به نام گرداتانز؟ یا گردیتانز؟ و سومین مُهر اداری از این استان است. اگرچه حروف پهلوی این اثرمُهر آسیب دیده اما می‌توان یک خوانش آغازین پیشنهاد داد که در آینده با پیدا شدن اثرمُهر بهتر، نیاز به بازخوانی و بازبینی خواهد داشت. دست کم حروف بخش میانی رج نخست در مرکز اثرمُهر آشکار نیست، و ما بدرستی نمی‌دانیم بعد از حرف “ر” حرف “د” بوده یا اینکه پیش از “ت” حرف “آ” بوده یا “ی”. همچنین در ابتدای رج نخست یک شکستگی کوچک وجود دارد که باز نمی‌دانیم آیا پیش از “گ” حرف دیگری بوده یا خیر. به هر روی، در بخش پیرامون اثرمُهر، نام استان اَبهر «ph» به‌خوبی دیده می‌شود. از دیگر بخش‌های فرسایش یافته، حرف “ه” در انتهای واژه مُووه /mgw[h] است.

گاهنگاری پیشنهادی ما برای این گِلْمُهر، بر پایه آگاهی‌های مُهرشناسی، پیش از سال ۵۴۰ میلادی، زمان فرمانروایی خسرو یکم است. در این زمان برنامه ساماندهی و دگرسازی سازمان اداری به کار گرفته شده است. همچنین، این گاهنگاری آغازین بر پایه رخ‌دادهای همانند و موازی میان استان‌های همدان و اَبهر استوار است؛ استان‌هایی که پس از این دگرگونی و ساماندهی اداری، به ترتیب به «همدان-کوست-شهرستان» و «همدان-کوست-اَبهر» نام‌گذاری شدند. اگر هم‌زمان با این دگرگونی، درم سرای همدان نیز نشانه کوتاهواره همدان بر روی سکه‌ها را از AH به AHM درآورده باشد، می‌توان سال‌های دهم تا یازدهم پادشاهی خسرو یکم، نزدیک

References

- Cereti, C.G.
2004 "Some Notes on the Sasanian Coinage of Esfahan and a few mint signatures", *La Persia e Bisanzio* (Roma, 14-18 ottobre 2002), Rome, Accademia Nazionale dei Lincei [Atti dei Convegna Lincei, 201], Pp. 309-326.
- 2007 "Further on the Sasanian Mint of Esfahān." *East and West* 57 (1/4), Pp. 331-32.
- Gyselen, R.
1989 *La géographie administrative de l'Empire sassanide. Les témoignages sigillographiques*, Paris, Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient [Res Orientales, I].
- 2001 "La province sassanide d'Abhar. Nouvelles données dans les collections des Musées Royaux d'Art et d'Histoire de Bruxelles", *Studia Iranica*, 30, Pp. 31-44.
- 2007 *Sasanian Seals and Sealings in the A. Saeedi Collection*. Peeters Publishers. Leuven.
- 2012 "Nouvelles bulles administratives sassanides de la collection A. Saeedi, Londres", R. Gyselen (ed.), *Objets et documents inscrits en pārsīg* [Res Orientales, XXI], Bures-sur-Yvette, Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient, Pp. 123-132.
- 2019 *La géographie administrative de l'empire sassanide. Les témoignages épigraphiques en moyen-perse* [Res Orientales, XXV], Bures-sur-Yvette, Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient.
- Le Strange, G.
1905 *The lands of the Eastern Caliphate: Mesopotamia, Persia, and Central Asia from the Moslem conquest to the time of the Timur*. Cambridge: University Press.
- Mustawfī, H-A.
1919 *The geographical part of the Nuzhat-al-qulūb composed by Hamd-Allāh Mustawfī of Qazwīn in 740 (1340)*. Translated by G. Le Strange, G.. Leyden: E.J. Brill.